

خدمات و آثار علمی و فلسفی ابن سینا

حمید آقاجانی

چکیده:

بنام او که زینت زبانها و یادگار جانها نام او ،
بنام او که آسایش دل ها و آرایش کارها به نام او ،
بنام او که روح روح ها و مفتاح فتوح ها نام او ،
بنام او که فرمانها روان و حال ها بر نظام از نام او ،

در این مجموعه ابتدا زندگینامه و سرگذشت تقریباً کاملی از بوعلی سینا آورده ام و سعی کرده ام در آن تمام وقایع مهم دوران حیات او از جمله : اسامی استادانش ، سفرهای او به دیار مختلف ، افرادی که بوعلی با آنها رفت و آمد نزدیک داشته ، برگزیده هایی از کارهای علمی و فلسفی اش و اسامی برخی از کتب او و سبب نگاشتن آنها و نیز علت نامگذاریشان ، حاکمان و فرمانروایان هم عصر با او ، حاکمانی که بوعلی مقام وزارت آنها را عهده دار بوده است ، برخی از آراء و عقاید او ، برخی از کسانیکه در مکتب او درس گرفته اند و نیز قسمت هایی از زندگی بوعلی سینا از زبان خود او و به روایت شاگرد او جوزجانی به همراه حکایات جالبی از زندگی اش را بیاورم .

در بخش بعد وصیت نامه بوعلی سینا به ابوسعید ابوالخیر را آورده ام که به تازگی به آن دست یافته ام و سپس تاریخچه مقبره شیخ الرئیس و مراحل ساخت آن را ذکر کرده ام . در بخش انتهایی مقاله نیز فهرست الفبایی آثار شیخ الرئیس و آنهایی را که به او نسبت داده اند ، اعم از کتاب ، رساله ، مقاله ، دائرة المعارف و... ذکر شده است که تقریباً کاملترین فهرستی است که تاکنون در مورد آثار شیخ عرضه گردیده است .

مقدمه :

زندگی و سرگذشت ابوعلی سینا

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا در حدود ۳۷۰ق/۹۸۰ م در بخارا زاییده شد. پدرش از اهالی بلخ بود و در دروان فرمانروایی نوح بن منصور سامانی (۳۶۶-۳۷۸ق/۹۹۷م) به بخارا رفت و در آنجا در یکی از مهمترین قریه ها به نام خرمیسن در دستگاه اداری به کار پرداخت. او از قریه ای در نزدیکی آنجا، به نام افشنه زنی (ستاره نام) را به همسری گرفت و در آنجا اقامت گزید. ابن سینادر آنجا چشم به جهان گشود. پنج سال پس از آن برادر کوچکتر او به نام محمود به دنیا آمد.

ابن سینا نخست به آموختن قرآن و ادبیات پرداخت و ده ساله بود که همه قرآن و بسیاری از مباحث ادبی را فراگرفته بود بطوریکه باعث شگفتی دیگران شده بود.

در این میان پدر وی دعوت یکی از داعیان مصری اسماعیلیان را پذیرفته بود و از پیروان ایشان به شمار می رفت. برادر ابن سینا نیز از آنان بود. پدرش ابن سینا را نیز به آیین اسماعیلیان دعوت می کرد اما وی هرچند به سخنان آنان گوش می داد و گفته هایشان را درباره عقل و نفس می فهمید نمی توانست آیین ایشان را بپذیرد و پیرو ایشان شود.

پدرش رسائل اخوان الصفاء را مطالعه می کرد و ابن سینا نیز گاه به مطالعه آنها می پرداخت. سپس پدرش وی را نزد سبزی فروشی بنام محمود مساحی که از حساب هندی آگاه بود، فرستاد و ابن سینا از وی این فن را آموخت. در این هنگام دانشمندی بنام ابو عبدالله (حسین بن ابراهیم الطبری) ناتلی که مدعی فلسفه دانی بود به بخارا آمد. پدر ابن سینا وی را به خانه خود جایی داد و ابن سینا نزد او به آموختن فلسفه پرداخت. وی پیش از آمدن ناتلی به بخارا نزد مردی بنام اسماعیل زاهد فقه آموخته و در این زمینه سخت جويا و پویا و با همه شیوه های اعتراض به روش فقیهان آشنا شده بود. آنگاه ابن سینا نزد ناتلی به خواندن ((مدخل منطق ارسطو)) پرداخت و در این راه تا بدانجا پیش رفت که نکات تازه کشف می کرد و سبب شگفتی بسیار استادش می شد.

چنانکه وی پدر ابن سینا را وادار ساخت که فرزندش را یکباره و تنها در راه دانش مشغول کند. ابن سینا بخشهای ساده منطق را نزد ناتلی فراگرفت، اما او را درباره دقایق این دانش ناآگاه یافت از این رو به خواندن کتابهای منطق ارسطو و مطالعه شرحهای دیگران بر آنها پرداخت، تا اینکه در این دانش چیره دست شد.

سپس کتاب «عناصر یا اصول هندسه» اثر اقلیدس و کتاب معروف «المجسطی» اثر بطلمیوس را اندکی نزد ناتلی و مابقی را نزد خود خواند و حتی بسیاری از مسائل این کتب را ناتلی نمی دانست و ابن سینا آنها را توضیح می داد.

مدتی بعد ناتلی بخارا را به قصد گرگانج و رسیدن به دربار ابوعلی مأمون بن محمد خوارزمشاه ترک کرد. در این میان ابن سینا نزد خود به خواندن و آموختن متون و شرحهای کتابهایی در طبیعیات و الهیات پرداخت تا به گفته خودش «درهای دانش به رویش گشوده شد»، آنگاه به دانش پزشکی گرایش یافت و خواندن کتابهایی را در این زمینه آغاز کرد.

وی همزمان به مطالعات خود در فقه و مناظره با دیگران در این زمینه ادامه می داد. او در این هنگام ۱۶ ساله بوده است. پس از آن، ابن سینا یک سال و نیم دیگر به آموختن و خواندن پرداخت و بار دیگر خواندن کتابهای منطق و همه بخش های فلسفه را از سر گرفت.

وی در این میان حتی یک شب را در سراسر آن نمی خوابید و روزها نیز جز به کارخواندن و آموختن نمی پرداخت. انبوهی از دسته های کاغذ در برابر خود می نهاد و مسائل گوناگون را برای خود مطرح می کرد و در هر مساله ایی مقدمات قیاس و شروط آن را در نظرمی گرفت. هرگاه نیز با قیاسی روبرو می شد که نمی توانست به «حداوسط» آن دست یابد، برمی خاست و به مسجد می رفت و نماز می گزارد و از خداوند حل مشکل خویش را خواستار می شد تا بر وی گشوده می گشت. آنگاه شب هنگام به خانه باز می گشت، چراغ پیش روی می نهاد و به خواندن و نوشتن مشغول می شد.

به گفته خودش «هرگاه خوابش می برد، خود آن مسائل را در خواب می دید و بسیاری از آنها بر وی روشن و آشکار می شد». ابن سینا بدین شیوه پیش می رفت تا بر همه دانش ها آگاهی یافت و به اندازه توانایی انسانی، بر آنها چیره گردید، چنانکه خود می گوید: «آنچه در آن زمان می دانستم، به همان گونه است که اکنون می دانم و تا به امروز چیزی بر آن نیفزوده ام».

ابن سینا در این هنگام نزدیک به ۱۸ سال داشته، در منطق، طبیعیات و ریاضیات چیره دست بوده است و آنگاه بر الهیات روی آورده و به خواندن کتاب متافیزیک (مابعدالطبیعه) ارسطو پرداخته است.

فرمانروای بخارا در این زمان نوح بن منصور سامانی بوده است، وی دچار یک بیماری می شود که پزشکان در درمان آن درمانده بودند. در این میان نام ابن سینا به دانشوری مشهور شده بود. پزشکان نام او را نزد آن فرمانروا به میان آوردند و از او خواستند که ابن سینا را به حضور بخواند. ابن سینا نزد بیمار رفت و با پزشکان در مداوای وی شرکت کرد و از آن پس در شمار پیرامونیان و نزدیکان نوح بن منصور درآمد.

ابن سینا روزی از وی اجازه خواست که به کتابخانه بزرگ و مشهور وی راه یابد، این اجازه به او داده شد و ابن سینا در آنجا کتابهای بسیاری را در دانش های گوناگون یافت که نامهای بسیاری از آنها را کسی نشنیده و خود وی نیز، هم پیش و هم پس از آن، آنها را ندیده بود. او به خواندن آنها پرداخت و از آنها بهره های فراوان گرفت.

ابن سینا به ۲۲ سالگی رسیده بود که پدرش درگذشت ، وی در این میان برخی کارهای دولتی امیرسامانی عبدالملک دوم را به عهده گرفته بود .وی در حدود ۳۹۲ق در جامه فقیهان باطیلسان و تحت الحنک از بخارا به گرگانج در شمال غربی خوارزم رفت و در آنجا به حضور علی بن مأمون بن محمد خوارزمشاه ، از فرمانروایان آل مأمون معرفی شد .

پس از چندی به گفته ابن سینا ، باردیگر «ضرورت وی را بر آن داشت» که گرگانج را ترک کند، او درباره این ضرورت چیزی نمی گوید . در این میان ابوعبید جوزجانی ، شاگرد وفادارش به وی پیوست و تا پایان عمر ابن سینا یار و همراه او بود و نیز نخستین نویسنده سرگذشت ابن سینا به نقل از خودش بود . از اینجا به بعد ، جوزجانی به تکمیل بقیه زندگانی و سرگذشت ابن سینا می پردازد .

در حدود ۴۰۴ق ابن سینا گرگان (جرجان) را به قصد ری ترک کرد. او در ری به خدمت سیده (با نام شیرین دختر سپهبد شروین و ملقب به ام الملوک ۴۱۹ق/۱۰۲۸م بیوه فخرالدوله علی بویه ۳۸۷ق/۹۹۷م و مادر مجدالدوله ابوطالب رستم بن فخرالدوله) رسید.مادر و فرزند ، ابن سینا را بنا بر توصیه هایی که همراه آورده بود گرامی داشتند. در این میان ابن سینا مجدالدوله را که دچار بیماری سوداء(مالیخولیا) شده بود درمان کرد . وی همچنان در ری ماند تا هنگامیکه شمس الدوله ابوطاهر پسر دیگر فخرالدوله که پس از مرگ پدرش فرمانروای همدان و قرمیسن (کرمانشاه) شده بود در سال ۴۰۵ق به ری حمله آورد .این حمله پس از درگیری وی باهلال بن بدر بن حسنویه روی داد . وی از دودمان کردهای فرمانروا بر نواحی جبل و قرمیسن بوده است .

هلال بن بدر که از سوی سلطان الدوله در بغداد زندانی شده بود ، آزادی خود را بازیافته و از سوی سلطان الدوله لشکری در اختیارش نهاده شده بود تا با شمس الدوله که در این میان بر سرزمین های دیگری نیز دست یافته بود ، به جنگ برخیزد . در نبردی که در ذیقعد ۴۰۵ق میان ایشان در گرفت ، هلال بدر کشته شد و سپاهیان سلطان الدوله ناچار شدند که به بغداد بازگردند . به گفته جوزجانی ، در این هنگام «حوادثی روی داد که ابن سینا را ناگزیر ساخت که ری را ترک کند» . اما او درباره ماهیت این حوادث چیزی نمی گوید .

ابن سینا از ری به قزوین و سپس به همدان رفت در این میان شمس الدوله به بیماری قولنج دچار شد . ابن سینا را به کاخ وی بردند و او به معالجه پرداخت تا شمس الدوله بهبود یافت . ابن سینا چهل روز را در کاخ گذرانید و در پایان خلعتهای فراوان گرفت و به خانه خود بازگشت ، در حالی که در شمار نزدیکان و همنشینان شمس الدوله درآمده بود ، پس از چندی شمس الدوله برای نبرد با عناز به سوی قرمیسن لشکر کشید .

حسام الدین ابوشک فارس بن محمد بن عناز سرکرده قبیله کرد شاذنجان بود که در سوی رشته کوههای میان کرمانشاه و قصر شیرین کنونی فرمانروائی داشت . پس از شکست هلال بن بدر به

دست شمس الدوله و از دست رفتن سرزمینهایش، عناز که همسایه دورتر او بود بر آن شد که آن سرزمین ها را تصرف کند. بنابراین شمس الدوله برای پیشگیری از دست اندازی های عناز به جنگ وی رفت، در حالیکه ابن سینا نیز به همراه او بود. در این نبرد شمس الدوله شکست خورد و به همدان بازگشت، این واقعه در ۴۰۶ ق بود.

در این هنگام شمس الدوله ابن سینا را به وزارت خود گماشت اما پس از چندی به دلایلی سپاهیان بر وی شوریدند، خانه اش را محاصره کردند و پس از دستگیری وی همه دارایی او را به تاراج بردند و افزون بر این از شمس الدوله خواستار کشتن وی شدند، اما شمس الدوله از این کار سرباز زد و برای آرام کردن سپاهیان، ابن سینا را فقط از دستگاه دولت دور کرد. ابن سینا متواری شد و ۴۰ روز را در خانه مردی به نام ابوسعید (ابوسعید) بن دخدول (دخدوک) به سر برد. در این هنگام، شمس الدوله بار دیگر دچار بیماری قولنج شد و ابن سینا را احضار کرد و از وی بسیار پوزش خواست. ابن سینا به معالجه وی پرداخت تا بهبود یافت.

شمس الدوله بار دیگر وزارت را به وی سپرد. بنا بر گزارش جوزجانی، شمس الدوله در این میان از ابن سینا خواسته بود که شرحی بر نوشته های ارسطو بنویسد، اما ابن سینا به وی گفته بود که فراغتی برای این کار ندارد، اما اگر وی راضی شود، به نوشتن کتابی درباره دانش های فلسفی (بی آنکه در آن با مخالفان مناظره یا عقاید ایشان را رد کند) خواهد پرداخت و بدین سان تألیف کتاب شفا را از طبیعیات آغاز کرد.

او کتاب اول قانون در پزشکی را پیش از آن تألیف کرده بود در این میان چنین می نماید که ابن سینا از زندگانی آرامی برخوردار بوده است، زیرا بنا بر گزارش جوزجانی، روزها را به کارهای وزارت شمس الدوله می گذراند و شبها دانشجویان بر گرد وی جمع می آمدند و از کتابهای شفا و قانون می خواندند.

چند سالی بدین سان گذشت، تا هنگامیکه شمس الدوله برای جنگ با امیر طارم برخاست. اما در نزدیکی طارم، دوباره به سختی دچار بیماری قولنج شد که بیماریهای دیگری نیز به همراه داشت. سپاهیان از مرگ وی بیمناک شدند و او را در تخت روان به سوی همدان بازگرداندند، اما شمس الدوله در راه در گذشت (۴۱۲ ق / ۱۰۲۱ م). پس از مرگ شمس الدوله، پسرش سماء الدوله ابوالحسن به جای او نشست و از ابن سینا خواست وزارت او را بپذیرد، اما ابن سینا از پذیرفتن این مقام سرباز زد و صلاح خود را در آن دید که کناره گیرد.

جوزجانی گزارش می دهد که «روزگار ضربات خود را فرود می آورد و آن ملک به ویرانی می گرایید ابن سینا ترجیح داد که دیگر در آن دولت نماند و به آن خدمت ادامه ندهد و مطمئن شد که احتیاط در آن است که برای رسیدن به دلخواه خود، پنهان بزید و منتظر فرصتی باشد تا از آن دیار دور شود.»

بدین سان ابن سینا چندی متواری بود و در خانه مردی به نام ابوغالب عطار پنهان می زیست و نوشتن بقیه کتاب شفا را از سر گرفت و پس از پایان دادن به همه بخشهای «طبیعیات» جز کتاب «الحيوان» و «الهیات» آن، بخش، «منطق» را آغاز کرد و برخی از آنرا نوشت.

پس از چندی تاج الملک کوهی (ابونصر ابراهیم بن بهرام) ظاهراً پس از امتناع ابن سینا از پذیرفتن شمس الدوله برای بار دوم وزیر شده بود، ابن سینا را متهم کرد که با علاء الدوله (حاکم و فرمانروای اصفهان) نهانی نامه نگاری می کند سپس کسانی را به جستجوی وی برانگیخت دشمنان ابن سینا نهانگاه وی (خانه ابوغالب عطار) را نشان دادند وی را یافتند و دستگیر کردند و به قلعه ای به نام فردجان فرستادند و در آنجا زندانی کردند. قلعه فردجان که همچنین برهان یا براهان (فراهان) نامیده می شده است، در ۱۵ فرسنگی همدان در ناحیه جرا قرار داشته و اکنون پرندگان نامیده می شود و در ۱۱۰ کیلومتری میان همدان و اصفهان قرار دارد. ابن سینا ۴ ماه در آن قلعه سپری کرد بنا بر گزارش ابن اثیر، در نبردی که در ۴۱۱ ق / ۱۰۲۰ م میان سربازان کرد و ترک شمس الدوله در همدان در گرفته بود، تاج الملک سر کرده سربازان کرد بوده است. وی از علاء الدوله برای سرکوب سربازان ترک یاری خواست، اما سه سال بعد (۴۱۴ ق / ۱۰۲۴ م) سماء الدوله پسر شمس الدوله بروجرد را به محاصره درآورد و فرماندار آنجا فرهاد بن مرداویج از علاء الدوله یاری خواست و هر دو همدان را محاصره کردند، اما کمبود خواربار ایشان را ناچار به عقب نشینی کرد. سپس در نبردی با تاج الملک، علاء الدوله نخست به جردفازقان (گلپایگان) عقب نشست، بار دیگر به همدان هجوم برد، در نبردی سماء الدوله شکست خورد و تسلیم شد اما علاء الدوله مقدم وی را گرامی داشت و تاج الملک به همان قلعه فردجان پناه برد.

سپس علاء الدوله همراه سماء الدوله به قلعه فردجان رفت و تاج الملک تسلیم شد، و آنگاه همه ایشان همراه ابن سینا به همدان بازگشتند و ابن سینا در خانه مردی علوی سکنی گزید، و به نوشتن بقیه بخش «منطق» شفا پرداخت. (درباره نام این مرد علوی اطلاعی در دست نیست)، اما از سوی دیگر، ابن سینا در همدان رساله ادویه قلبیه خود را به مردی به نام شریف السعید ابوالحسین علی ابن حسین الحسنی تقدیم کرده است که چنانچه پیداست علوی بوده و احتمالاً همان مرد می باشد.

ابن سینا مدتی را در همدان گذرانید و تاج الملک در این میان وی را با مواعید زیبا سرگرم می داشت، سپس ابن سینا تصمیم گرفت که همدان را به قصد اصفهان ترک کند.

وی به همراهی شاگردش جوزجانی و دو برده، با لباس مبدل و در جامه صوفیان روانه شد و پس از تحمل سختی های بسیار راه، به جایی به نام طبران (طهران یا طبران) در نزدیکی اصفهان

رسید. این محل اکنون یکی از روستاهای حومه اصفهان و در سمت شمال محله آب بخشان متصل به شهر است و بیدآباد و تیران (آهنگران) نام دارد.

وی در اصفهان در خانه مردی به نام عبدالله بن بی بی در محله ای بنام کوی گنبد فرود آمد. آن خانه ائانه و فرش و وسایل کافی داشته است.

از این هنگام به بعد (۴۱۴ ق / ۱۰۲۳ م) دوران چهارده ، پانزده ساله زندگی آرام و خلاق ابن سینا آغاز می شود وی اکنون از نزدیکان و همنشینان علاء الدوله بود که مردی دانش دوست و دانشمند پرور به شمار می رفت.

ابوعلی سینا در اصفهان کتاب شفا را با نوشتن بخشهای «منطق» «محسوطی» «اقلیدس» «ریاضیات» و «موسیقی» به پایان رسانید ، جز دو بخش «گیاهان» و «جانوران» که آنها را هنگامیکه علاء الدوله به شاپور ، واقع در جنوب همدان و غرب اصفهان ، حمله کرد و ابن سینا نیز همراه وی بود در میان راه نوشت. کتاب النجاة نیز در همین سفر و در میان راه نوشته شده بود.

جوزجانی می گوید که ابن سینا هنگام به پایان رساندن کتاب شفا چهل ساله بوده است. اکنون اگر سال تولد ابن سینا را ۳۷۰ ق بدانیم تاریخ پایان نوشتن شفا ۴۱۰ ق می شود.

ابن سینا کتاب الانصاف را نیز در اصفهان تألیف کرده بود ، اما این کتاب در حمله سلطان مسعود غزنوی به اصفهان و تصرف آن از میان رفت. مسعود غزنوی در سال ۴۲۱ ق به اصفهان حمله کرد و شهر را به تصرف درآورد ، سپاهیان وی ، پس از کشتار فراوان به تاراج اموال علاء الدوله و نیز خانه ابن سینا دست زدند و اموال و کتابهای وی را غارت کردند و سپس آنها را به شهر غزنه فرستادند. این کتابها در ۵۴۵ ق / ۱۱۵۰ م به دست سربازان علاء الدین جهانسوز غوزی به آتش کشیده شدند.

علاء الدوله پس از حمله مسعود به اصفهان همچنان فرمانروای آنجا باقی ماند. ابن سینا در اصفهان روزگار می گذرانید ، تا هنگامیکه علاء الدوله در ۴۲۷ ق / ۱۰۳۶ م به نبرد با تاش فراش سپهسالار سلطان مسعود در ناحیه کرج (کرخ) نزدیک همدان شتافت.

ابن سینا که در این سفر علاء الدوله را همراهی می کرد دچار بیماری قولنج شد و به درمان خود پرداخت و به قصد بهبود هر چه زودتر در یک روز هشت بار خود را تنقیه می کرد و در نتیجه دچار زخم روده شد. سپس در همین حال بیماری به اصفهان برده شد و همچنان به مداوای خود ادامه می داد تا اندکی بهبود یافت ، چنانکه توانست در مجلس علاءالدوله حضور یابد ، تا اینکه علاء الدوله قصد رفتن به همدان کرد ، ابن سینا نیز وی را همراهی کرد اما در راه بیماریش عود کرد و چون به همدان رسیدند ، شیخ متوجه شد که قوتش از بین رفته و بدنش قدرت مقابله با بیماری را ندارد ، پس دست از معالجه و مداوا کشید و گفت : « آن مدبری که تدبیر بدن من می نمود ، از تدبیر دست برداشت دیگر معالجه من نفعی ندارد. » پس غسل کرد و توبه نمود و

آنچه را داشت به فقرا بخشید و غلامان را آزاد کرد و هر سه روز یک ختم قرآن از حفظ تلاوت می کرد ، تا اینکه کتاب شفا مرض او را به شفا تبدیل نکرد و کتاب نجات از مرگش نجات نداد و اجل او را از پای درآورد و در حال احتضار این رباعی را می خواند :

تا باده عشق در قدح ریخته اند و ندر پس عشق عاشق انگیزته اند

با جان و روان بوعلی مهر علی چون شیر و شکر بهم بر آمیخته اند

و می گفت : آنکه مردیم و آنچه که با خود بردیم ، این است که دانستیم که هیچ ندانستیم .

شیخ الرئيس ابوعلی سینا در روز جمعه اول ماه مبارک رمضان سال ۴۲۸ هجری قمری به جوار رحمت الهی پیوست و در همدان ، در قسمت جنوبی مدفون گردید .

وصیت نامه شیخ ابوعلی سینا

ابوعلی سینا را نسبت به ابوسعید ابوالخیر ارادتی تام بود و بین این دو مکاتباتی بوده است ، از جمله شیخ وصیت نامه خود را برای ابوسعید ابوالخیر نوشت و فرستاد .

متن وصیت نامه به زبان عربی است . اما در اینجا ترجمه آن را به فارسی جهت اطلاع آورده ام . «آغاز هر فکر و انتهای هر اندیشه باید خدای باشد ، باطن و ظاهر هر شیء که مورد اعتبار و عبرت او قرار گرفت باید او را به خدای تعالی توجه دهد . و از نظر کردن به خدای ، چشم را از پلیدی و آلودگی رهائی بخشد . با قدم نفس که به حال قیام در مقام حضور بر پای ایستاده باید عالم ارواح مجرد را سیر نماید و با عقل و خرد خویش آنچه را که از آثار و عظمت مقام ربوبی در آن به اسرار نهفته است ، مشاهده کند .

هنگامیکه از آن مقام منبع تنزل نمود و به موقف و مقر خود فرود آمد ، معبود یکتای خویش را به بیان و لسان خود تسبیح و کمال و صلاح را بعینه در آثار او مشاهده کند .

جمال شاهد ازلی را جز به دیده بصیرت نتوان دید و به کوی او جز با پیر خرد گذر نتوان کرد . ذات کبریائی او قابل ادراک و ابصار نیست . فروغ اوست که در باطن و ظاهر و اشیاء جلوه گر است . برای اینکه هر فردی را به کمال مطلوب خویش رساند . از هر موجودی پرتو نور او ساطع است و در هر ذره از ذات این نشانه موجود که اوست ، خدای یگانه که هستی هر هستی به هستی اوست .

هنگامیکه بر این حالت تسلط یافت و آنرا برای خود علی الدوام حفظ نمود آنوقت است ، که صورت عالم علوی در آینه وجودش منعکس شده و انوار جمال الهی در آن راه می یابد . در همین موقع است که با مراتب عالم ربوبی آشنا شده و از لذتی بهره مند می شود ، که در دسترس دیگران نیست واز وجود خویش آن بهره را می برد ، که در خود او و سزاوار آن بوده است .

تزلزل خاطر از او نور سکون و آرامش جایگزین آن گردد مقام امنی واجد اضطراب از او برطرف گردد و آگاهی او آنچنان خواهد بود که بر اهل آن رقت آرد و از خدای بر آنان طلب غفران کند در نتیجه خدعه و مکر دنیا را ناچیز متاع و حکم دنیوی را پست و حقیر شمارد . بیاد خود آرد که متذکر خدای گردد . همیشه از آن ذکر در نشاط و پیوسته از حلاوتش در سرور است . بالاخره کار دنیا و اهل آن او را به تعجب کشاند ، همانطوریکه اهل دنیا از مردی که اهل آخرت باشد در تعجب هستند و باید بدانند نماز بهترین حرکات است ، زیرا در این حرکات طی مراتب کمال میسر است . روزه بهترین سکنت است زیرا در این سکون رنگ سکون و آلودگی هاست نفس زدوده می شود. صدقه بهترین خیرات است، زیرا به سبب آن مصائب و بلاها زدوده می شود و دور می گردد و بالاخره باید بدانند پاکیزه ترین مسالک تحمل بر شدائد و سختی هاست بیهوده ترین کارها، ظاهرسازی و ریاکاری است.

تا زمانیکه نفس به مختصر شیئی تغییر حال یافته و دگرگون می گردد و تا وقتی که توجهش به حدودالفاظ و در پی نزاع قیل و قال است ، هرگز از آلودگی ها و پلیدی ها خلاص نگشته و پاک نمی گردد .

آن علمی که عاری از فساد و با نیتی پاک توأم باشد، بهترین عمل است ، حکمت و دانش اساس و مایه برتری انسان است از غیر و در تحصیل دانش ، معرفت الهی بر همه مقدم است. زیرا شرافت هر علمی بسته به موضوع آن است. کلمات حق و گفتار پاکیزه به سوی خدای تعالی بالا می رود آنرا خدای متعال رفعت می دهد.

باری به همین کیفیت از لفظ دروغ و عاری از حقیقت اعتراض نموده در مخیله خویش هم حتی مجال ورود به آن نمی دهد، تا برای نفس این صداقت حالتی ثابت گشته و ملکه گردد . در نتیجه خوابهایش راست شده و آنچه در عالم رویا مشاهده کند واقعیت خواهد داشت.

درخصوص مشتیهات نفس ، یعنی آنچه مورد التذاذ نفس است و از آنها لذت می برد، باید استعمال آنها صرفاً برای رو براه آوردن مزاج و نگاه داشتن وجود شخصی و بقای نوع باشد. با هر کسی مطابق با خوی او و حسن سلوکش رفتار نماید و در حدود امکان و به قدر استطاعت مالی خویش بذل و بخشش کند.

برای یاری مردم اکثراً آماده است و در آنچه خلاف طبع و میل او است آنها را یاری می کند. در مورد امور شرع کوتاهی نمی کند. رعایت احکام الهی را نموده و آنها را بزرگ می شمارد اعضا و جوارح خویش را به انجام تکالیف واجبه وامی دارد. خدای متعال عمل به این شریعت را برای بندگان خود مقرر فرموده است و به آنان افعالی که تحت اصول مذهب اسلام انجام می گیرد، حکم می کند.

خدای متعال دوست و دوستدار و والی آن اشخاصی است ، که آئین مقدس اسلام را پذیرفته و ایمان آورده اند و چون ما به حال و دل آنرا قبول نموده و گردن نهاده ایم، پس خدای متعال ما را بس و بر غیر او هم نظر نخواهیم داشت، چه بسیار خوبست آنکسی که ما امور خود را بدو سپرده ایم.

مقبره ابن سینا

مقبره ابن سینا از زمانهای قدیم در میان مردم شهر همدان به بابا علی سینا معروف بوده است. ابتدا در زیر یک چهار طاقی بود، سپس در دوره قاجاریان بنای دیگری بر سر آن ساختند. در سالهای گذشته شروع به ساختن آرامگاه کنونی کردند، معلوم شد که قبر ابن سینا و ابوسعید دخدوک را میان دیوارهای محکمی از خاک رس ناپخته جای داده بودند که از چهار طرف جسد را در بر می گرفته است. به همین دلیل استخوانها و همچنین جمجمه ابن سینا خراب نشده بود، در سال ۱۲۹۴ «نگار خانم دختر عباس میرزا، نائب السلطنه» چهار طاقی را که بر سر این مزار بود برداشته و گنبدی از آجر بجای آن ساخته و دو سنگ بر سر این دو قبر گذاشته است. اکنون هر دو مدخل آرامگاه ابن سینا است.

در سال ۱۳۳۹ ق مرحوم «محمد حسین فریدالدوله گلگون» رئیس وقت بلدیة همدان دیواری برگرد آرامگاه ابن سینا ساخته و دری روبروی پل قدیم در گوشه جنوب غربی مقبره کار گذاشت و در کنار مقبره تالاری بزرگ شامل اطاقی برای کتابخانه و انباری برای کتابها ساخت چاه و حوضی نیز در آن تعبیه نمود و هزینه این کار را چند نفر از مردم خیر همدان دادند. ساختمان نگار خانم چهار ضلعی نامنظمی بود از آجر، که گنبدی در میان آن ساخته بودند و در مغرب تالار قرائت خانه و در مشرق آن دالانی که به اطاق کوچکی می رفت ساخته بودند، در آن اطاق عارف قزوینی شاعر معروف و متأخر را به خاک سپرده بودند. کتابخانه مقبره که بنیاد آن را فریدالدوله گذاشته بود ۶۴۹ جلد کتاب داشت.

آرامگاه کنونی به همت انجمن حفظ آثار ملی در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ شمسی به مناسبت هزاره ولادت ابن سینا، به دست آقای مهندس هوشنگ سیحون ساخته شد و در سال ۱۳۳۳ شمسی طی کنگره شکوهمندی که عده زیادی از دانشمندان ایرانی و خارجی در آن شرکت جسته بودند گشایش یافت.

فهرست الفبائی آثار ابن سینا

در فهرست ها و منابع تاریخی و رجالی، حدود ۴۵۶ یا ۵۰۰ و بلکه بیشتر کتاب، رساله، مقاله و ... به ابن سینا نسبت داده و از آن او دانسته اند. فهرست تفصیلی و تحلیلی آثار شیخ همانگونه که بعضی از استادان معاصر همچون جرج قنواتی و دکتر مهدوی انجام داده اند کاری است مشکل و به سادگی و آسانی پایان پذیر نیست.

در این مجموعه فهرست الفبائی آثار او را از آنهایی که تقریباً مسلم شده است که از آثار ابن سینا می باشد نقل شده و برای تسهیل در امر تحقیق، هر یک از آنها را با یکی دو منبع کتابشناسی تایید شده و از جمله به سیره شیخ و عیون الانباء خزرچی، فهرست قنواتی و فهرست دکتر مهدوی ارجاع شده است.

علاوه بر آن ، آن تعداد از آثار شيخ را كه نسخه اش به هر صورت در جائي محفوظ است با علامت * مشخص شده و چاپ و نشر آن را با حرف اختصاری (ط - طبع شده) معين شده است .
۱ - الآثار العلوية (مقالة فى) * ط

عنوانهای ديگر اين رساله : اسباب الآثار العلوية ، الاجرام السماوية ، الاجرام العلوية ، جوهر الاجرام السماوية او العلوية .

ر: سيره _ عيون، ص ۴۴۰-قنواتى ، ص ۱۲۳ و ۱۲۵- مهدوى ، ص ۶۸ و ۲۹

۲ - الآلة الرصدية

مقالة فى آلة رصدية _ بوعلی آن را در اصفهان نگاشته است .

ر: عيون ، ص ۴۵۸ و ۴۴۰ .

۳ - ابطال علم النجوم (مقالة فى ...) *

نامهای ديگر آن: الرد على المنجمين _ ابطال احكام النجوم .

ر: قنواتى، ص ۱۲۳ _ مهدوى، ص ۱

۴- اثبات النبوة (رسالة فى ...) * ط

در «الكتاب الذهبى» دو مقاله در مورد نظريه ابن سينا نسبت به نبوت آمده است : يکى از استاد «لويس جارديه» تحت عنوان «نظرية النبوة و الحقائق الدينية عند ابن سينا»

۵ - الاجرام السماوية _ الآثار العلوية*

۶- اجوبة سوالات سألها عنه ابوالحسن العاصرى (اربع عشرة مسئلة)

ر: سيره _ عيون ، ص ۴۵۸ .

۷ - اجوبة الشيخ الرئيس الى ابى سعيد ابى الخير. * ط

اين پرسش و پاسخ مشتمل است بر: القياس _ تعلق النفس بالبدن _ المعاودة فى امر النفس علم و حکمة الارشاد _ سر القدر _ القضا الله .

ر : قنواتى ، ص ۱۰۷، ۳۰۸، ۲۶۸، ۲۷- مهدوى، ص ۱۰، ۳

۸ - الاجوبة عن المسائل

نام ديگر آن : المسائل الاثنا و عشرون

ر: قنواتى، ص ۸۵ _ مهدوى ، ص ۱۷

۹ - الاجوبة عن المسائل (فن جوهرية النار)

ر: مهدوى، ص ۱۹

۱۰ - الاجوبة عن مسائل ابن ريحان البيرونى * ط

نام هاى ديگر آن : رساله الى ابى ريحان البيرونى _ جواب مسائل البيرونى _ اجوبة ست عشرة مسئلة لابی ريحان البيرونى .

ر: عیون، ص ۴۵۸ _ قنواتی ، ص ۲ و ۱۲۷ _ مهدوی ، ص ۱۱.
۱۱ - الاجوبة عن المسائل الحکمیة (خمس و عشرون مسئلة)

ر: قنواتی ، ص ۸۶ _ مهدوی ص ۱۸.

۱۲ - الاجوبة عن المسائل العشرة

نام های دیگر آن : المسائل العشرة _ جواب المسائل العشرة ، محتمل است.

ابن سینا آن را در پاسخ بیرونی یا ابوالقاسم کرمانی نوشته است . در عیون الانباء به عنوان بیرونی آمده است.

ر: عیون، ص ۴۵۸ _ قنواتی ، ص ۲ _ مهدوی ، ص ۱۵.

۱۳ - الاجوبة عن المسائل العشرينية.

نام های دیگر آن، عشرون مسئلة فی المنطق _ المسائل الغریبة . گویا همان مختصر منطق شیخ است که در آغاز کتاب نجات قرار داده شده است.

ر: قنواتی ، ص ۱۰۹، ۱۱۰ - مهدوی ص ۱۷.

۱۴ - اختلاف الناس فی امر العقل و النفس *

نام های دیگر آن: امر النفس و امر العقل - رساله الشیخ ابن علی الکیا الجلیل ابی جعفر محمد بن الحسین (الحسن) ابن المرزبان .

ر: قنواتی ، ص ۱۱۴ _ مهدوی ، ص ۲۰.

۱۵ - الاخلاق (مقاله فی ...) * ط

ر: سیره _ عیون ، ص ۴۵۸ _ قنواتی، ص ۳۰۰ _ مهدوی، ص ۲۲.

۱۶ - الادویة القلبية * ط

بیهقی گوید شیخ این رساله را در ابتدای ورود به همدان یعنی اندکی پس از سال ۴۰۵ که تاریخ فوت هلال بن بدر بن حسنویه می باشد ، نوشته و به ابوحسین علی بن حسین بن الحسنی تقدیم نموده است ، این شخص شاید همان علوی باشد که شیخ پس از خلاصی از زندان قلعه فردجان ، درخانه او سکونت نمود.

ر: سیره _ تنمة صوان الحکمة، بیهقی _ عیون ، ص ۴۴۰ و ۴۵۷ _ قنواتی، ص ۱۷۰ _ مهدوی

ص ۲۳.

۱۷ - الارثماطیقی (مقاله فی ...)

عنوان دیگر آن: مختصر کتاب الارثماطیقی من الشفاء .

ر: سیره _ قنواتی ، ص ۲۳۲ .

۱۸ - ارجوزة فی التشریح *

- در کتاب الذهبی مقاله‌ای تحت عنوان «الاراجیز الطبیة» از استاد «شارل کونس» آمده و در آن
ارجوزه های طبی مورد بررسی قرار گرفته است.
ر: قنواتی، ص ۱۷۱- کتاب الذهبی، ص ۱۳۶ _ مهدوی ص ۲۶ .
- ۱۹ - ارجوزة فی الطب (فی الفصول الاربعة)*ط
ر: قنواتی ، ص ۱۷۷ و ۱۷۶ _ مهدوی ص ۲۶ .
- ۲۰- ارجوزة فی المجربات*
ر: قنواتی ، ص ۱۷۱ _ مهدوی ص ۲۷ .
- ۲۱- ارجوزة فی الطب (فی حفظ الصحة)*
ر: قنواتی ، ص ۲۲۰ _ مهدوی ص ۲۶ .
- ۲۲ - ارجوزة فی المنطق*
با عنوانهای : الرجز المنطقی _ القصيدة المزدوجة _ میزان النظر . شیخ در گرگانج این قصیده
را برای ابوالحسن سهل بن محمد سهلی سروره است.
ر: سیره- عیون، ص ۴۴۰ _ قنواتی، ص ۱۰۶ _ مهدوی ص ۱۰۱ و ۲۷ .
- ۲۳ - ارجوزة فی الوصایا (نصایح طبیه منظومة)*
شاید این ارجوزه همان ارجوزه فی الوصایا ابقراط باشد.
ر: قنواتی ، ص ۱۷۹ و ۱۸۰ - مهدوی ، ص ۲۷ .
- ۲۴ - الارزاق (رسالة فی ...) *
ر: قنواتی ، ص ۳۰۴ _ مهدوی ص ۲۸ .
- ۲۵ - الارصاد الكلية .
آن را در گرگان و برای ابوالمحمد شیرازی نوشته است.
ر: سیره _ عیون، ص ۴۴۰ .
- ۲۶ - اسباب حدوث الحروف و مخارجها (مقالة فی ...)*ط
نامهای دیگرش : فی معرفة حدوث الحروف _ مخارج الحروف _ مخارج الصوت _ فی
التحقیق الحروف _ فی اسرار الحروف . این رساله بنا به درخواست ابومنصور جبان محمد بن
علی بن عمر نوشته شده و چون در اصفهان تألیف گردیده می تواند بعد از سال ۴۱۴ نگارش
یافته باشد.
- ر: سیره- قنواتی ص ۱۱۷ _ مهدوی ، ص ۳۰ .
- ۲۷ - اسباب الرعد و البرق (رسالة فی ...) * ط
ر: قنواتی ، ص ۱۲۸ _ مهدوی ، ص ۳۱ .
- ۲۸ - الارشارات و التنبیها*ط

- به طوریکه گروه کثیری تصریح کرده اند این کتاب آخرین اثر شیخ است.
 ر: سیره _ عیون، ص ۴۵۷ _ قنواتی، ص ۴ _ مهدوی، ص ۳۲ .
- ۲۹ - الاشارة الى علم المنطق (مقالة فی ...)
 با عنوان «تعالیق المنطق» نیز آمده است.
 ر: سیره _ عیون، ص ۴۴۰ _ ۴۵۸ _ مهدوی، ص ۳۸ .
- ۳۰ - اشعار و قصائد مختلف * ط
 ر: مهدوی، ص ۳۹ .
- ۳۱ - الاصحویة فی المعاد * ط
 به عنوان «المعاد» هم یاد شده است و آن را در عید قربان برای امیر ابوبکر محمد بن عبید نوشته است.
 ر: سیره _ عیون، ص ۴۵۸ _ قنواتی، ص ۲۵۶ _ مهدوی، ص ۳۹ .
- ۳۲ - الاغذیة و الادویة *
 ر: قنواتی، ص ۱۸۰ _ مهدوی، ص ۴۱ .
- ۳۳ - اقسام الحکمة (مقالة فی ...) * ط
 نامهای دیگرش: اقسام العلوم العقلیة _ تقاسیم الحکمة _ اقسام العلوم الحکمیة .
 ر: سیره _ عیون، ص ۴۴۰ و ۴۵۸ _ قنواتی، ص ۱۲ _ مهدوی، ص ۴۱ .
- ۳۴ - امر مستور الصنعة*
 عنوانهای دیگرش: الاکسیر _ الکیمیا _ رسالۃ الی السهلی فی امر مستور الی الکیمیا.
 این سهلی که شیخ رساله را برایش نوشته گویا همان ابوالحسن (ابوالحسین) سهل بن محمد باشد که در تعلیقات سیره ذکرش گذشت . در «الکتاب الذهبی» مقاله ای تحت عنوان «رسالۃ الاکسیر او رسالۃ فی امر مستور الصنعة» از احمد آتش آمده است.
 ر: سیره _ عیون، ص ۴۵۸ _ قنواتی، ص ۲۲۱ _ الکتاب الذهبی، ص ۶۰ _ مهدوی، ص ۴۲ .
- ۳۵ - الانسان
 بعضی گفته اند که این کتاب در بیست مجلد بوده است و شاید همین کتاب «الانصاف» است که پس از این ذکر می شود و نام آن را تحریف کرده اند.
 ر: عیون، ص ۴۴۱ .
- ۳۶ - الانصاف *
 با عنوان «الانصاف و الانتصاف» و «الانصاف و الانتصاف» هم آمده است . طبق آنچه صاحبان فهارس و رجال تصریح کرده اند این کتاب همه کتب ارسطو را شامل می شده و دارای ۲۰ مجلد و مشتمل بر ۲۸ هزار مسئله بوده است.

- ر: سیره - عیون، ص ۴۵۷-قنواتی، ص ۱۶ - مهدوی، ص ۴۵ .
- ۳۷ - انفساح الصور الموجودة فی النفس (مقاله فی ...)
با عنوان: فی بیان الصور المعقولة المخالفة للحق .
ر. قنواتی، ص ۱۴۶ - مهدوی، ص ۵۰ .
- ۳۸ - انواع القضايا (فی ضبط ...)
با عنوان «القضايا فی المنطق» هم آمده است .
ر. قنواتی، ص ۱۰۷ - مهدوی، ص ۵۱ .
- ۳۹ - الاوسط الجرجانی فی المنطق .
با عنوانهای: « الاوسط - مختصر المنطق» .
- این رساله را در گرگان برای ابومحمد شیرازی نوشته و گویا همان منطق کتاب نجات می باشد .
- ر: سیره - عیون، ص ۴۵۷ - مهدوی، ص ۲۱۷ .
- ۴۰ - ایضاح البراهین، مستنبطه من مسائل عویصة* .
ر. قنواتی، ص ۱۴۵ - مهدوی، ص ۵۱ .
- ۴۱ - الباه (رسالة فی ...) *
گویا این رساله را برای ابوسهل حمدونی نوشته است و این همان کسی است که بنا به گفته مورخان هنگام غلبه او بر علاالدوله در اصفهان به فرمانش کتابها و اموال شیخ را غارت نمودند .
- ر: مهدوی، ص ۵۲ .
- ۴۲ - البر و الاثم (کتاب ...) *
شیخ در حدود سالهای ۳۹۲ تا ۳۸۷ که در بخارا بوده این رساله را برای یکی از همسایگان خود ابوبکر برقی خوارزمی نوشته است . سمعانی از قول ابن ماکولا نقل می کند که ابوبکر احمد بن محمد برقی یکی از فضلاء متقدم است ، شعر بسیار سروده و در ۳۷۶ درگذشته است ، آنگاه که گفته من دیوان شعر برقی را به خط شاگردش ابن سینا دیده ام . دکتر مهدوی گوید : چون تاریخ تولد شیخ بنا بر اصلح سال ۳۷۰ می باشد و تاریخ فوت برقی ۳۷۶ بوده بنابراین شیخ باید کتاب را به هنگامی که پنج ، شش ساله بوده ، نوشته باشد و این بعید به نظر می رسد (فهرست مهدوی ، ص ۵۲)
- این استبعادی که دکتر مهدوی بیان می کند در صورتی تأیید می شود که در خاندان برقی فقط یک فرد موسوم به ابوبکر برقی باشد ، علاوه بر اینکه شیخ در سیره پیش از آنکه از ابوالحسن عروضی و ابوبکر برقی یاد کند می گوید : چون به ۱۸ سالگی رسیدم از اکتساب

جميع علوم فراغت یافتیم . پس از آن همسایگان خود را که عبارتند از : ابوالحسن عروضی و ابوبکر برقی نام می برد و می گوید که کتاب « الحاصل و المحصول » و « البر و الاثم » را برای برقی نوشتیم و این خود دلیلی است که این برقی نمی تواند آن برقی باشد که در سال ۳۷۶ وفات نموده است .

ر : سیره_ عیون ، ص ۴۴۰ و ۴۵۷ _ انساب سمعانی ص ۷۰ _ قنواتی ص ۳۰۵ ، مهدوی ، ص ۵۲ و ۱۷۶ .

۴۳ - البهجة فی المنطق *

ر : قنواتی ، ص ۱۱۲ _ مهدوی ، ص ۵۳ .

۴۴ - بیان ذوات الجبهة

ر . سیره _ عیون ، ص ۴۴۰ _ مهدوی ، ص ۲۵۴ .

۴۵ - تأویل الرویا

ر : عیون ، ص ۴۵۸ .

۴۶ - تحصیل السعادة و تعرف با الحجج العشرة (مقالة فی ...) * ط

عنوانهای دیگرش : فی السعادة _ الحجج العشرة فی جوهرية نفس الانسان _ التحفة فی النفس و ماتصیر الیة _ المعاد الاصغر .

ر : سیره _ عیون ، ص ۴۵۸ _ قنواتی ، ص ۱۴۷ _ مهدوی ، ص ۵۵ .

۴۷ - التدارک لانواع الخطا الواقع فی التدبیر الطبی (مقالة ...) دفع المضار الكلية عن الابدان الانسانية . * ط

۴۸ - تدبیر المسافر (رسالة فی ...) *

ر : قنواتی ، ص ۳۰۶ - مهدوی ، ص ۵۶ .

۴۹ - تدبیر سیلان المنی *

ر : قنواتی ، ص ۱۸۱ _ مهدوی ، ص ۵۶ .

۵۰ - تدبیر منزل العسکر *

عنوانهای دیگرش : تدبیر الجند و العساكر و ارزاقهم و خراج الجند و الممالک منزل العسکر و منزل العسکر .

ر : سیره_ عیون ، ص ۴۵۸ _ قنواتی ص ۳۰۶ _ مهدوی ، ص ۵۷ .

۵۱ - التذاکیر (مسائل ...)

ر : سیره

۵۲ - التعالیق (کتاب ...)

در سیره آمده است : تعالیق علقها عنه تلمیذه ابن زیلا.

۵۳ - تعالیق علی مسائل حنین

- عنوانهای دیگر: مسائل حنین _ شرح مسائل حنین بن اسحاق .
 ر: سیره _ عیون، ص ۴۵۸ _ قنواتی، ص ۲۱۵ _ مهدوی، ص ۲۱۹ .
- ۵۴ - تعبیر الرویا
 با نامهای: تأویل الرویا _ فی الرویا _ المنامیه .
 ر: سیره _ قنواتی، ص ۲۲۳ _ مهدوی، ص ۵۷ .
- ۵۵ - تعقب الموضوع الجدلی (مقاله فی ...) *
 ر: سیره _ عیون، ص ۴۴۰ و ۴۵۸ _ قنواتی، ص ۱۰۲ _ مهدوی، ص ۵۹ .
- ۵۶ - التعليقات * ط
 در سیره با این عنوان آمده است: تعليقات استفاده ها ابوالفرج الهمدانی الطیب فی مجلسه و جوابات له .
 ر: سیره _ قنواتی، ص ۱۹ _ مهدوی، ص ۶۰ .
- ۵۷ - تفسیر بعض سور القرآن * ط
 برخی از این تفسیرها عبارت است از: تفسیر سوره الاخلاص (التوحید الصمدیه) _ تفسیر المعوذتین (سوره الفلق _ سوره الناس) _ تفسیر سوره الاعلی _ تفسیر آیه النور و ...
 ر: قنواتی، ص ۲۶۷ و ۲۶۱ _ مهدوی، ص ۶۶ و ۶۴ .
- ۵۸ - تقاسیم الحکمة ← اقسام الحکمة
 ۵۹ - الجمانة الالهية فی التوحید (القصيدة النونية) *
 ر: قنواتی، ص ۲۳۸ _ مهدوی، ص ۶۷ .
- ۶۰ - الجمل من الادله المحققة لبقاء النفس الناطقة .
 با عنوان: بقاء النفس الناطقة _ سبعة المقانیس المنطقية _ النفس الناطقة
 ر: مهدوی، ص ۶۷ .
- ۶۱ - جواب يتضمن الاعتذار اليه من الخطب .
 ر: سیره _ قنواتی، ص ۳۱۰ .
- ۶۲ - جواهر الاجرام السماويه ← الآثار العلوية . ط
 ۶۳ - الجوهر و العرض *
 ر: سیره _ قنواتی، ص ۱۳۰ .
- ۶۴ - الحاصل و المحصول
 در بیان کتاب «البر و الاثم» یاد نمودیم که شیخ این دو کتاب را برای ابوبکر برقی نوشته است، با اینکه این کتاب یکی از کتابهای مسلم شیخ می باشد و در کتب معتبر و سیره شیخ از آن یاد می کنند قنواتی و مهدوی آن را ذکر نکرده اند . صرف موجود نبودن نسخه ای از

این کتاب دلیل بر عدم معرفی آن نمی گردد چه آنکه در فهرستهای قنواتی و مهدوی برخی از کتابهای غیر موجود از قبیل کتاب «لسان العرب فی اللغة» هم معرفی شده است .

ر: سیره _ عیون ص ، ۴۴۰ و ۴۵۷

۶۵ - الحث علی اشتغال بالذکر (رسالة ...) * ط

ر: قنواتی ص ، ۲۷۱ _ مهدوی ، ص ۷۰ .

۶۶- حدالجسم (مقالة فی ...) *

با عنوان « الطول و العرض» و ...

ر: سیره _ عیون ، ص ۴۵۸ _ قنواتی ، ص ۱۳۱ _ مهدوی ، ص ۷۱ .

۶۷ - الحدوث (رسالة فی ...) *

ر: قنواتی ، ص ۱۳۲ _ مهدوی ، ص ۷۰ .

۶۸ - الحدود (کتاب ...) * ط

با عنوان : الحدود و الرسوم .

ر: سیره _ عیون ، ص ۴۴۰ و ۴۵۷ _ قنواتی ، ص ۲۱ _ مهدوی ، ص ۷۲ .

۶۹- الحدیث

ر: قنواتی ، ص ۲۷۱ - مهدوی ، ص ۷۳ .

۷۰- الجزن و اسبابه (رسالة او كلام ...) * ط

با عنوانهای دیگر : تبیین ماهیة الحزن _ ماهیة الحزن .

ر: سیره - عیون ، ص ۴۵۹ - قنواتی ، ص ۲۷۲ - مهدوی ، ص ۷۳ .

۷۱ - حفظ الصحة (رسالة فی ...) *

ر: قنواتی ، ص ۱۸۲ - مهدوی ، ص ۷۴ .

۷۲ - الحکمة العرشیة * ط

با عنوانهای : العرشیة _ حقائق علم التوحید _ معرفة الله و صفاته و افعاله .

ر: سیره _ عیون ص ، ۴۵۸ _ قنواتی ، ص ۲۳۹ و ۲۴۲ و ۲۴۱ _ مهدوی ، ص ۷۵ .

۷۳- الحکمة و العروضية *

با عنوان : المجموع ، شیخ این کتاب را در ۲۱ سالگی یعنی حدود سال ۳۹۱ هـ . ق برای

ابوالحسن احمد بن عبدالله عروزی نوشته است .

ر: سیره _ عیون ، ص ۴۴۰ _ قنواتی ، ص ۲۴ و ۱۰۴ _ مهدوی ، ص ۷۶ .

۷۴ - الحکمة المشرقیة *

با عنوان : الفلسفة المشرقیة _ بعض الحکمة المشرقیة .

ر: سیره _ عیون ، ص ۴۴۰ و ۴۵۸ _ قنواتی ، ص ۲۶ و ۱۱۱ _ مهدوی ، ص ۸۰ .

۷۵ - الحكومة فى حجج المثبتين للماضى مبدأ زمانيا *

با عنوانهاى : النهاية و اللانهاية_التناهى و اللاتناهى . در شمار آثار ابن سينا رساله اى با نام « اللانهايه » ذكر شده كه محتمل است همين رساله باشد .

ر: سيره - عيون ، ص ۴۴۰ - قنواتى ، ص ۱۳۹ - مهدوى ، ص ۹۳ .

۷۶ - الحواشى على قانون

در فهرست آثار ابن سينا كتابى با عنوان «حواشى موضوعات العلوم» ذكر کرده اند كه ممكن است همين كتاب باشد .

ر: سيره - عيون ، ص ۴۴۰ - قنواتى ، ص ۱۳۹ .

۷۷ - حى بن يقظان * ط

ابن سينا اين تمثيل عرفانى را هنگاميکه در قلعه «فردجان» محبوس بود . يعنى حدود سال ۴۱۴ ق نوشت . ابن طفيل هم حى بن يقظان دارد و طرز نگارش هر يك با ديگرى متفاوت است . در «الكتاب الذهبى» مقاله اى تحت عنوان «حى بن يقظان لابن سينا و ابن طفيل و سهروردى» به قلم دكتور احمد امين چاپ شده و وجوه اشتراك و امتياز اين سه گونه نگارش يك تمثيل عرفانى را بيان داشته است .

ر: سيره - عيون ، ص ۴۴۰ و ۴۵۷ - قنواتى ، ص ۲۷۴ - الكتاب الذهبى ، ص ۷۱ - مهدوى ، ص ۹۴ .

۷۸ - خصب البدن (مقالة فى ...) *

ر: قنواتى، ص ۱۸۳ - مهدوى ، ص ۹۷ .

۷۹ - خطأ من قال ان المكية جوهر (رسالة ...) *

با عنوان ديگر : المكية ليست بجوهر .

ر: سيره - قنواتى ، ص ۱۳۶ - مهدوى ، ص ۹۷ .

۸۰ - الخطبة

گويا همان خطب الكلام باشد . در فهرست آثار شيخ خطب و تمجيدات و اسجاع هم ذكر کرده اند .

ر: سيره - عيون ، ۴۴۰ - قنواتى ، ص ۲۷۷ - مهدوى ، ص ۹۸ .

۸۱ - الخطبة التوحيدية* ط

با عنوانهاى : التسبيحية_ التمجيدية_ الخطبة الغرا خطبة فى الالهيات_ الخطبة الالهية_ الكلمة الالهية_ الخطب التوحيدية .

ر: سيره - عيون ، ص ۴۵۷ - قنواتى ، ص ۲۳۶ - مهدوى ، ص ۹۹ .

۸۲ - خطبة فى الخمر * ط

با عنوان ديگر: خطبة من مقالات الشيخ الرئيس .

- ر: قنواتى ، ص ١٨٥ _ مهدوى ، ص ١٠٠ .
- ٨٣- خواص خط الاستواء (مقالة فى ...)
- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٨ .
- ٨٤- دانشنامه علايى * ط
- با عنوانهاى ديگر : دانشمايه علايى _ حكمت علايى _ كتاب علايى _ دانشنامه .
- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٧ - قنواتى ، ص ٢٥ و ٢٨ _ مهدوى ، ص ١١٣ و ١٠١ .
- ٨٥ - دستور طبى *
- ر: قنواتى ، ص ١٨٤ _ مهدوى ، ص ١١٣ .
- ٨٦ - الدعا * ط
- ر: قنواتى ، ص ٢٧٨ _ مهدوى ، ص ١١٤ .
- ٨٧- دفع المضار الكلوية عن الابدان الانسانية بتدارك انواع خطأ التدبير .
- با عنوانهاى ديگر : تدارك الخطأ الواقع فى التدبير الطبى _ رفع المضار الكلوية _ التدارك لأنواع خطأ التدبير (سبع مقالات صنفه لابي الحسن احمد بن محمد السهللى)
- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٨ - قنواتى ، ص ١٨٥ _ مهدوى ، ص ١١٤ .
- ٨٨ - الرد على مقالة الشيخ ابى الفرج بن ابى سعيد اليمامى .
- با عنوان ديگر : رسالة كتبها الشيخ الرئيس ابو على بن سينا الى شيخ ابى الفرج بن ابى سعيد اليمامى فى مسئلة طبية دارت بينهما _ الرد على الرسالة المتقدمة _ فى نقض رسالة ابن طبيب _ القوى الطبيعية .
- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٨ - قنواتى ، ص ٢١٣ و ٢١٦ _ مهدوى ، ص ١١٦ و ١١٧ .
- ٨٩ - رسائل له اخوانية و سلطانية
- ر: عيون ، ص ٤٤٠ .
- ٩٠- رسالة الى علماء بغداد يسألهم الاتصاف بينه و بين رجل همدانى يدعى الحكمة .
- در سيره دو رساله با اين عنوان آمده است .
- ر: مهدوى ، ص ١١٧ .
- ٩١ - رسالة فى ان ابعاد الجسم غير ذاتية .
- ر: سيره - عيون ، ص ٤٤٠ .
- ٩٢ - رسالة فى ان علم زيد غير علم عمرو .
- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٤٠ و ٤٥٧ .
- ٩٣ - رسالة فى انه لا يجوز ان يكون شىء واحد جوهرياً و عرضياً .
- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٤٠ .
- ٩٤ - الرقع الى اشخاص *

نام های دیگر آن : الی بعض احبائه _ الی ابی جعفر القاشانی _ الی ابی طاهر بن حسول _ الی علاءالدوله ابن کاکویه _ الی الشیخ ابی الفضل ابن محمود _ الی الشیخ ابی القاسم ابن ابی الفضل .

ر: قنواتی، ص ۳۱۸ و ۳۱۳ _ مهدوی، ص ۱۲۱ و ۱۱۹ .

۹۵- الزوایة (رسالة فی ...) *

با عنوانهای دیگر : مختصر فی ان الزوایة من المحيط و المماس لامحیط و لاکمیه لها _ رسالة الی ابن سهل المسیحی فی الزوایة .

ر: سیره _ عیون، ص ۴۵۸ - قنواتی، ص ۲۲۶ _ مهدوی، ص ۱۲۲ .

۹۶- الزهد *ط

یکی از چند پرسش و پاسخ میان بوسعید و ابن سینا است .

ر: سیره _ عیون، ص ۴۵۸ - قنواتی، ص ۲۸۰ .

۹۷- سبع مقالات

در فهرست آثار شیخ آمده است که این مقالات هفتگانه را جهت احمد بن محمد سهلی نوشته است .

ر: عیون، ص ۴۵۸ .

۹۸ - السکنجبین (رسالة ...) *ط

با عنوان دیگر : منافع الشراب المسمى سکنجبین .

ر: سیره _ عیون، ص ۴۵۸ _ قنواتی، ص ۱۸۸ _ مهدوی، ص ۱۲۳ .

۹۹- السياسة *ط

در « الكتاب الذهبی » مقاله ای تحت عنوان « التریبیه عند ابن سینا و رسالة السياسة » به قلم استاد کمال ابراهیم آمده است .

ر: قنواتی، ص ۳۰۷ _ الكتاب الذهبی، ص ۳۳۵ - مهدوی، ص ۱۲۳ .

۱۰۰ - سياسة البدن و فضائل الشراب و منافع و مضاره .*

با عنوان دیگر : الخمریه .

ر: قنواتی، ص ۱۸۸ _ مهدوی، ص ۱۲۴ .

۱۰۱ - الشبكة و الطیر .

ر: سیره _ عیون، ص ۴۴۰ .

۱۰۲ - شرح کتاب النفس لارسطو *ط

ر: سیره _ عیون، ص ۴۵۸ _ قنواتی، ص ۱۴۹ .

۱۰۳- الشفاء *ط

ر: سیره - عیون، ص ۴۴۰ - قنواتی، ص ۲۹ _ مهدوی، ص ۱۷۴ و ۱۲۵ .

١٠٤ - الصلوة (رسالة فى ...) *ط

با نام هاى: اسرار الصلوة _ ماهية الصلوة.

ر: قنواتى ، ص ٤٨١ _ مهدوى ، ص ١٧٥ .

١٠٥ - الصنعة الى امام ابى عبدالله البرقى (رسالة فى ...) *

با عنوانهاى : الاكسير الاحمر _ حقيقة الاكسير الاحمر _ الصنعة العالية .

ر: قنواتى ، ص ٢٢٤ _ مهدوى ص ١٧٦ .

١٠٦ - الطيب (رسالة فى ..) *

ر: قنواتى ، ص ١٨٩ _ مهدوى ص ١٧٧ .

١٠٧ - الطير (رسالة فى ...) *ط

ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٧-قنواتى ، ص ٢٨٤ _ مهدوى ص ١٧٧ .

١٠٨ - العروس (رسالة فى ..) ط

با عنوانهاى : اثبات وجود الحق _ اثبات العقول _ سلسلة الفلاسفة _ الحيرة العرش .

ر: قنواتى ، ص ٢٤٢ _ مهدوى ص ١٧٩ .

١٠٩ - العشق (رسالة فى ...) *ط

با عنوان اثبات سريان العشق فى الموجودات ، آن را براى ابو عبدالله معصومى نوشته است.

ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٨ _ قنواتى ، ص ٢٨٧ _ مهدوى ص ١٨٠ .

١١٠ - عكوس ذوات الجهة.

ر: سيره _ عيون، ص ٤٥٧ .

١١١ - علة قيام الارض فى حيزها (رسالة فى ...) *ط

با عنوانهاى: تنهى الاجسام - قيام الارض فى وسط السماء . اين رساله براى شيخ ابوالحسن

احمد بن محمد السهلى نوشته شده و اين همان كسى است كه ابن سينا رساله هاى : فى امر

مستور الصنعة _ التدارك لانواع خطأ التدبير _ الارجوزة المنطقية را براى او نوشته است.

ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٨ _ قنواتى ، ص ٢٣٠ _ مهدوى ص ١٨١ .

١١٢ - عهد له عاهد الله به لنفسه. *ط

با عنوانهاى: معاهدة _ عهد فى تزكية النفس .

ر: سيره _ عيون ، ص ٤٤٠، ٤٥٨ - قنواتى ، ص ٢٨٩ _ مهدوى ص ١٨٢ .

١١٣ - عيون الحكمة *ط

ر: سيره _ عيون ، ص ٤٤٠ و ٤٥٨ - قنواتى ، ص ٧٩ _ مهدوى ص ١٨٢ .

١١٤ - عيون المسائل *ط

ر: سيره _ قنواتى ، ص ٨١ .

١١٥ - غرض قاطيغورياس (مقالة فى ...) .

- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٤٠ و ٤٥٨ .
- ١١٦ - الفرق بين الحرارة الغريزية و الغريبة (رسالة فى ..)*
- ر: قنواتى ، ص ١٣٥ _ مهدوى ص ١٨٦ .
- ١١٧ - الفصد (رسالة فى...) *ط
- با عنوان: فى العروق المفصودة .
- ر: قنواتى ، ص ١٩٠ _ مهدوى ص ١٨٦ .
- ١١٨ - فصول الهية فى اثبات الاول .
- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٨ _ قنواتى، ص ٤٥٨ .
- ١١٩ - فصول طبية مستفادة من مجلس النظر.*
- با عنوانهاى :فصول الطبيات _ فى فن الطب _ فى الروح .
- ر: قنواتى ، ص ١٩٠، ١٩١ _ مهدوى ص ١٨٧ .
- ١٢٠ - فصول فى النفس و فى الطبيعات .
- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٨ .
- ١٢١ - الفيض الالهى .*ط
- با عنوانهاى : الافعال و الانفعالات _ الفعل و الانفعال .
- ر: قنواتى ، ص ٢٤٧ _ مهدوى ص ١٨٧ .
- ١٢٢ - القانون فى الطب.* ط
- كتاب قانون نيازى به بحث ندارد. پيرامون اين كتاب شرحها و مقاله ها و حاشيه ها به آن اندازه است كه فهرست يا فهرستها لازم دارد، در «الكتاب الذهبى»، مقاله ايبى با عنوان «ابن سينا فى قانونه» به قلم دكتور عزت مريدن ذكر شده كه در آن تحليلى اجمالى از ابواب و فصول آن نموده است.
- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٤٠ - قنواتى ، ص ٢١٢، ١٩٢ - الكتاب الذهبى ، ص ١٧٦ - مهدوى ، ص ١٨٩، ١٩٥ .
- ١٢٣ - القصائد فى العظمة .
- ر: سيره _ عيون ، ص ٤٤٠ .
- ١٢٤ - القصيدة الغينية . * ط
- با عناوين: النفسية _ الورقانية _ القصيدة الغراء .
- ر: قنواتى ، ص ١٥٢ _ مهدوى ص ١٩٧، ١٩٥ .
- ١٢٥ - القصيدة النونية ← الجمانة الالهية . *
- ١٢٦ - قصيدة المزدوجة فى المنطق ← ازجوزة فى المنطق . * ط
- ١٢٧ - القضاء و القدر . * ط

- این رساله حدود سال ۴۱۴ ق یا ۴۲۴ نوشته شده است .
- ر: سیره _ عیون ، ص ۴۴۰-قنواتی ، ص ۲۴۹ _ مهدوی ، ص ۱۹۷ .
- ۱۲۸ - قوانین و معالجات طبیة .
- ر: سیره _ عیون ، ص ۴۵۸ .
- ۱۲۹ - القولنج * ط
- شیخ ابن رساله را هنگامیکه در قلعه « فردجان » محبوس بوده نوشته و آن باید حدود سال ۴۱۴ ق باشد .
- ر: سیره _ عیون ، ص ۴۴۰ _ قنواتی ، ص ۲۱۴ _ مهدوی ، ص ۱۹۸ .
- ۱۳۰ - القوى الانسانية و ادراکاتها* ط .
- ر: سیره _ عیون ، ص ۴۵۸ _ قنواتی ، ص ۱۵۶ .
- ۱۳۱ - القوى الطبيعية _ الرد على مقالة الشيخ ابى الفرج اليمامى .
- ۱۳۲ - قيام الارض فى وسط السماء ← علة قيام الارض ... * ط
- ۱۳۳ - كلام فى تبیین ماهية الحزن ← الحزن * ط
- ۱۳۴ - كلام فى الجوهر و العرض .
- ر: عیون ، ص ۴۵۸ .
- ۱۳۵ - كلام فى المواعظ .
- با عنوانهاى : المواعظ _ النصيحة لبعض الاخوان .
- ر: مهدوی ، ص ۲۰۰ .
- ۱۳۶ - كلمات الشيخ الرئيس .
- با عنوان : اقوال الشيخ ... _ فوائد حکمية .
- ر: قنواتی ، ص ۲۹۲ _ مهدوی ، ص ۲۰۰ .
- ۱۳۷ - كيفية الرصد و تطابقه مع العلم الطبيعى (مقالة فى ...)
- ر: سیره _ عیون ، ص ۴۵۸ .
- ۱۳۸ - الكيمياء ← اصير مستور الصنعة .
- ۱۳۹ - لسان العرب
- بطوریکه اکثر منابع شرح حال شیخ نقل نموده اند میان شیخ و ابومنصور جبان در مجلس علاءالدوله پیرامون مسائل لفظی و لغوی کار به مشاجره کشیده شد ، سپس شیخ به تألیف این کتاب اقدام نمود .
- ر: سیره _ عیون ، ص ۴۴۰ و ۴۵۷ - مهدوی ، ص ۲۰۱ .
- ۱۴۰ - اللواحق * ط
- ر: سیره _ قنواتی ، ص ۱۳۷ .

۱۴۱- المباحثات * ط

اکثر مسائل این کتاب را برای بهمنیار نوشته است .

ر: سیره _ عیون ، ۴۴۰ و ۴۵۸ _ قنواتی ، ص ۸۲ _ مهدوی ، ص ۲۰۲ .

۱۴۲- المبدأ و المعاد * ط

شیخ این کتاب را برای ابومحمد شیرازی نوشته و او همان است که ابن سینا کتابهای : الارصاد الكلية و الاوسط فی المنطق را نیز برایش نوشته است نام او را برخی ابواحمد محمد بن ابراهیم الفارسی ذکر کرده اند .

ر: سیره _ عیون ، ۴۴۰ و ۴۵۷ _ قنواتی ، ص ۲۵۴ و ۲۵۳ _ مهدوی ، ص ۲۱۲ .

۱۴۳- المجالس السبع بین الشيخ و العامری . *

در فهرست آثار شیخ پاسخ ۱۴ پرسش عامری یاد شده که آنرا به عنوان « اجوبة » ذکر نمودیم .

ر: قنواتی ، ص ۸۵ _ مهدوی ، ص ۲۱۷ .

۱۴۴- المجموع ← الحکمة العروضية * ط

۱۴۵- مختصر الاوسط فی المنطق ← الاوسط الجرجانی *

۱۴۶- مختصر فی ان الزاوية فی المحيط و المماس لاکمیتة لها .

ر: سیره

۱۴۷- مختصر کتاب اقلیدس *

برخی آنرا جزء شفا و برخی جزء نجات دانسته اند .

ر: سیره _ عیون ، ص ۴۴۰ و ۴۵۸ - قنواتی ، ص ۲۳۱ .

۱۴۸ - المدخل الی صناعة الموسيقى * ط

ر: سیره _ عیون ، ص ۴۵۸ .

۱۴۹- مسائل جرت بینة و بین فضلاء العصر فی فنون العلوم

ر: سیره

۱۵۰- مسائل عدة طبية . *

محتمل است این مسائل همان رساله ای باشد که به شیخ ابوالفرج یمامی نوشته است .

ر: سیره _ قنواتی ، ص ۲۱۶ .

۱۵۱- المسالک و بقاع الارض (مقالة فی ...)

ر: سیره

۱۵۲ - المعاد الاصغر *

عنوانهاى ديگرش : المعاد _ النفس على الطريق الدليل و البرهان _ النفس الناطقة احوال النفس _ نفس الفلكى. اين رساله در رى و آن هنگام كه شيخ در خدمت مجدالدوله و مادرش بوده نوشته شده است.

ر: سيره - قنواتى ، ص ١٦٣ _ مهدوى ، ص ٢٤٤ .

١٥٣- معتصم الشعراء فى العروض .

ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٨ .

١٥٤- مفاتيح الخزائن فى المنطق .

ر: عيون ، عيون ص ٤٥٨ _ مهدوى ، ص ٢١٩ .

١٥٥ - مقادير الشربيات من الادوية المفردة و مضارها .

ر: قنواتى ، ص ٢١٧ _ مهدوى ، ص ٢٢٠ .

١٥٦- مقالة فى ان علم زيد غير علم عمرو ← رسالة فى ان علم زيد...

١٥٧ - مقالة فى تعرض رسالة الطبيب فى القوى الطبيعية ← الرد على مقالة الشيخ ابى الفرج

١٥٨ - مقالة فى انه لا يجوز ان يكون شىء واحد جوهرأ و عرضاً .

ر: سيره

١٥٩- مقالة فى تعقب المواضع الجدليه .

ر: سيره _ عيون ، ص ٤٤٠ _ قنواتى ، ص ١٠٢ .

١٦٠- الملائكة (رسالة فى ...) * ط

ر: قنواتى ، ص ٢٥٨ - مهدوى ، ص ٢٢٠

١٦١- الملح فى النحو .

ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٨ .

١٦٢- مناظرات جرت له فى النفس مع ابى على النيسابورى .

ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٨ .

١٦٣- منطق المشركيين * ط

١٦٤- المنطق الموجز .

ر: مهدوى ، ص ٢٢١ .

١٦٥- الموجز الصغير فى المنطق *

محتمل است همان الاوسط باشد .

ر: سيره - عيون ، ص ٤٤٠ - قنواتى ، ص ٤٤ - مهدوى ، ص ٢٢٢ .

١٦٦- الموجز الكبير فى المنطق . *

ر: سيره _ عيون ، ص ٤٥٧ _ قنواتى ، ص ١١٥ .

- ۱۶۷- الموجزة فى اصول المنطق .
 عنوانهاى ديگر آن : جوامع علم المنطق _ علم البرهان _ فى اصول علم البرهان .
 ر: قنواتى ، ص ۱۱۳- مهدوى ، ص ۲۲۲ .
- ۱۶۸- النبض (مقاله فى ...) *ط
 عنوانهاى ديگر آن : نبضية _ دانش رگ _ مختصر فى النبض .
 اين رساله را به فارسى براى علاءالدوله نوشته است .
 ر: سيره _ عيون ، ص ۴۴۰ و ۴۵۷ - قنواتى ، ص ۲۱۸- مهدوى ، ص ۲۲۶ .
- ۱۶۹- النجاة * ط
 آن را در راه شاپور خواست و در معيشت علاءالدوله نوشت .
 ر: سيره _ عيون ، ص ۴۴۰ و ۴۵۷ - قنواتى ، ص ۸۷- مهدوى ، ص ۲۲۶ .
- ۱۷۰- نصايح الحكماء للاسكندر .
 ر: قنواتى ، ص ۳۰۸ _ مهدوى ، ص ۲۴۱ .
- ۱۷۱- النفس على سنة الاختصار .
 عنوانهاى ديگر آن : مبحث عن القوى النفسانية _ هدية _ الفصول _ النفس (مقاله فى ...) _ كتاب النفس .
 ر: سيره _ قنواتى ، ص ۱۶۰ _ مهدوى ، ص ۲۴۱ .
- ۱۷۲- النفس (رسالة فى ...) * ط
 ر: مهدوى ، ص ۲۴۹ .
- ۱۷۳- النفس * ط
 عنوان ديگر آن : فصل من كلام الشيخ الرئيس فى النفس .
 ر: مهدوى ، ص ۲۴۸ .
- ۱۷۴- النفس الناطقة (رسالة فى كلام على ...) * ط
 محتمل است يکى از همان رساله هاى نفس است که مذکور گرديد .
 ر: قنواتى ، ص ۱۵۱ و ۱۶۳ _ مهدوى ، ص ۲۴۸ .
- ۱۷۵- النفس على طريق الدليل و البرهان ← المعاد الاصر .
 ۱۷۶- نقض رساله ابن طبيب ← الرد على مقاله الشيخ ابن الفرغ .
 ۱۷۷- النکت فى المنطق .
 عنوانهاى آن : الفصول الموجزة _ معرفة الاشياء .
 ر: قنواتى ، ص ۱۱۶ _ مهدوى ، ص ۲۵۰ .
- ۱۷۸- النيرانجات * ط
 قنواتى مى گويد محتمل است كتاب «کنوزالمغرمين» ترجمه فارسى همين النيرانجات باشد.

- ر: فنواتی، ص ۱۳۷ و ۱۴۱ - مهدوی، ص ۲۵۱ .
- ۱۷۹- النهاية و اللانهاية ← الحكومة في حجج المثبتين...
- ۱۸۰- النيروزية في معاني الحروف الهجائية * ط
- عنوانهای آن : فواتح السور- اسرار الحروف .
- ر: فنواتی، ص ۱۱۹ - مهدوی، ص ۲۵۱ .
- ۱۸۱ - الورد الاعظم *
- ر: فنواتی، ص ۲۹۷ - مهدوی، ص ۲۵۲ .
- ۱۸۲ - الوسعة (رسالة في..)
- عنوانهای آن : القضاء - كتاب بعض المتكلمين .
- ر: فنواتی، ص ۱۳۵ - مهدوی، ص ۲۵۲ .
- ۱۸۳ - هيئة الارض من السماء و كونها في الوسط (مقالة في ..)
- ر: سيره - عيون، ص ۴۵۸ .
- ۱۸۴- الهداية في الحكمة*
- این رساله را در قلعه فردجان برای برادرش نوشته که بنا به تصریح ابن ابی اصیبعه نامش علی بوده است و به همین مناسبت برخی گویند ابن سینا غیر از محمود برادر دیگری به نام علی داشته است.
- ر: سيره - عيون، ص ۴۴۰ و ۴۵۷ - فنواتی، ص ۹۹ - مهدوی، ص ۲۵۳ .
- ۱۸۵ - الهدباء *ط
- عنوانهای آن: هندیاء غیر مغسولة - علة الامر باستعمال هندیاء غیر مغسولة. کاسنی در خواص کاسنی .
- ر: سيره - عيون، ص ۴۴۰، ۴۵۸ - فنواتی، ص ۲۱۸ - مهدوی، ص ۲۵۴ .

فهرست منابع و مأخذ:

- ۱- ابن ابى اصيبعة ، احمد بن ابى القاسم الخزرى
- عيون الانباء فى طبقات الاطباء تصحيح دكتور نزار رضا بيروت ، ۱۹۶۵ م
- ۲- ابن اثير ، ابوالحسن ، على بن محمد .
تاريخ الكامل ، مصر ، ۱۳۰۱ ق.
- ۳- ابن الفقيه ، احمد بن محمد .
كتاب البلدان ، ليدن ، ۱۳۰۲ ق.
- ۴- ابن خلکان ، شمس الدين احمد بن محمد.
وفيات الاعيان ، مصر،مكتبة النهضة ، ۱۳۶۷ ق.
- ۵- ابن سينا، حسين بن عبدالله.
الف- التنبهات و الاشارات، تصحيح محمود شهابى، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ ش
ب- الشفاء (الالهيات) تهران ، ۱۳۰۳ ق.
ج- القانون ، تهران ، ۱۲۹۶ ق.
د- منطق المشرفيين و القصيدة المزدوجة، القاهرة، المكتبة السلفية، ۱۳۲۸ ق .
- ۶- ابن نديم، محمد بن اسحاق .
الفهرست، تصحيح رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ ش .
- ۷- ابوسعيد ابوالخير .
حالات و سخنان شيخ ابوسعيد (تأليف قرن ششم) تهران ، ۱۳۳۱ ش.
- ۸- بهمنيار بن مرزبان.
التحصيل، تصحيح شهيد مرتضى مطهرى، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ ش.
- ۹- پورحسينى، سيد ابوالقاسم .
ترجمه الاشارات و التنبهات _ نمط نهم، تهران خانقاه نعمت اللهى، ۱۳۴۷ ش.
- ۱۰- صفا، ذبيح اله
جشن نامه ابن سينا، تهران، انجمن آثار ملي ، ۱۳۳۱ ش.
- ۱۱- غنى ،قاسم
ابن سينا ، تهران، ۱۳۱۵ ش.
- ۱۲- سربازى ،مظفر
زندگى ابوعلی سينا، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۳- دلاورى، نوراله
خورشيد بى غروب ، تهران، ۱۳۳۸ ش.

۱۴- نامه دانشوران (گروه مولفان) قم، دارالفکر، ۱۳۳۸ ش.

۱۵- نفیسی، سعید.

الف _ پورسینا، تهران، ۱۳۳۳ش.

ب _ ترجمه سیره ابن سینا، تهران، انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۳۱ ش.

۱۶- موسوی بجنوردی، کاظم .

دائرة المعارف بزرگ اسلامی (جلد چهارم) ، تهران، ۱۳۷۰ ش.

۱۷- مهدوی، یحیی .

فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ ش.

۱۸- دیباجی، سید ابراهیم.

ابن سینا، تهران، ۱۳۶۴ ش.

۱۹- گوهرین، سید صادق.

حجة الحق ابوعلی سینا، تهران، علمی، ۱۳۴۷ ش.